

دختری در محراب:

مطالعه تطبیقی شخصیت مریم علیها السلام در سنت مسیحی - اسلامی

حیدر عیوضی (عماد)^۱

چکیده

حضرت مریم علیها السلام از شخصیت‌های مشترک میان اسلام و مسیحیت است که متون مقدّس هر دو دین، از ایشان تجلیل کرده‌اند. مقدّمه این مقاله به فقه اللّغه کلمه مریم می‌پردازد، چه این که امروزه مباحث زبان‌شناسی، یکی از پیش‌نیازهای مطالعات تطبیقی در ادیان است. سپس با تأمل بر برخی از بخش‌های اناجیل در باره مریم علیها السلام، به جایگاه مریم‌شناسی در الهیات نظام‌مند مسیحی و سیر تحوّل آن می‌پردازیم. در ادامه، ضمن ترسیم چهره این بانوی ارجمند در قرآن به برخی از اشکالات مطرح شده به وسیله مسیحیان که ناشی از سوء فهم برخی از آیات است، پاسخ خواهیم داد. نگارنده معتقد است تلاش‌های اصلاح‌طلبان مسیحی، بویژه در دوره معاصر، در اسطوره‌زدایی از مسیحیت، لیبیک به دعوتی است که قرآن کریم، قرن‌هاست به آن دعوت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسلام، مسیحیت، مریم مقدّس، قرآن و عهدین.

﴿كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران: ۳۷)

۱. پژوهشگر پژوهشکده تفسیر اهل بیت علیهم السلام و دانشجوی دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب.

heidareyvazi@yahoo.com

از جناب آقای دکتر علی راد و دوست گرامی ام‌آقای محمدعلی طباطبایی، بابت مطالعه مقاله و ارائه پیشنهادهای سودمند ممنونم.

...پس فرشته نزد او (مریم) آمده، گفت: سلام بر تو ای نعمت رسیده! خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی (لوقا: ۲۸: ۱)

اشاره

هنگامی که واژه مریم را در قاموس و دایرة المعارف کتاب مقدس مطالعه می‌کردم با شگفتی دیدم آن را «یاغی» معنی کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی از نویسندگان با اتکا به این تعریف به تکاپو افتاده‌اند تا وجهی بر آن بیابند. برای نمونه مؤلف مریم مادر کلمه، انتخاب این نام برای مادر مسیح ﷺ را موضوعی بس قابل تأمل می‌داند (طهماسبی، ۱۳۸۳، ص ۳۳). اما همان طور که در ادامه خواهیم دید، این گونه نگرانی‌ها بی‌مورد است. این موضوع، نگارنده را به مراجعه به کتب لغت عربی، عبری و لاتین وا داشت. شایان ذکر است که تحقیقات صورت گرفته در مورد واژگان سامی از جمله واژه مورد بحث، بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در این جا منعکس شده است. آنچه که در ذیل ارائه می‌شود، تنها گزارش مختصری است که پیش‌درآمد مقاله است.

در این مقاله پس از مقایسه لغت‌شناسانه واژه مریم در منابع لغوی معتبر، جایگاه این بانو را در دو سنت اسلامی - مسیحی بررسی می‌کنیم. امروزه تحقیقات زبان‌شناسی - علم اشتقاق، و به طور خاص، بررسی ریشه‌های مشترک زبان‌های سامی، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها در شناخت علمی ادیان ابراهیمی محسوب می‌شود؛ اما به رغم تلاش‌های صورت گرفته، هنوز ابهامات و اختلاف نظرهای زیادی فراروی پژوهشگران جوان این عرصه وجود دارد. از این رو، بایسته است که محققان با تأمل در نتایج به دست آمده، بر ابهامات موجود، پرتو افکنند.

باید توجه داشت که در میان بنی اسرائیل، انتخاب نام معنی‌دار، بسیار اهمیت داشته است. در عهد عتیق به طور معمول، انتخاب اسم حوادث هنگام تولد، ظاهر عجیب کودک، آرزوها و ایده‌های والدین در باره نوزدان و ... را منعکس می‌کند (سفر پیدایش ۱۶: ۱۱؛ ۲۵: ۲۵ و ...).^۱ برای نمونه، راحیل، همسر یعقوب ﷺ هنگام تولد دومین فرزندش، به علت سختی وضع حمل به حالت مرگ رسید، قابله به او گفت: مترس. این نیز برای پسر است. اما راحیل که در حال جان‌کندن بود، پسر را بن‌اونی / בן‌אונִי: پسر قوی من نامید و در دم، فوت کرد، لیکن پدر، کودک را بن‌یامین / בן־יָמִין: پسر خوش‌بختی نامید (پیدایش ۳۵: ۱۷-۱۸).

۱. آقای محمد شمس در فصل هفتم کتاب فمینیسم و ادیان ابراهیمی، ص ۱۰۱ - ۱۰۶ تحقیقات جالبی در این موضوع ارائه داده است.

نمونه دیگر، نام اسحاق، فرزند ابراهیم و ساراست. واژه Issac / از ریشه Tsādaq / به معنی خندیدن و تبسم کردن است (حییم، ۱۳۶۰، ص ۴۶۰). به لحاظ تاریخی، این نام، واکنش ابراهیم و سارا به وعده خداوند مبنی بر فرزنددار شدن آنها در کهن سالی را ترسیم می‌کند، چه این که هر دوی آنها وقتی این وعده خداوند را شنیدند، از تعجب خندیدند (پیدایش ۱۷: ۱۷؛ ۱۸: ۱۲-۱۳).

الف) ریشه‌شناسی واژه مریم / מַרְיָם / Mari- Mary

به رغم این که اعجمی بودن کلمه مریم، مورد اتفاق لغت‌شناسان اسلامی است، اما در مدخل‌های متعددی مانند: ری م، رای م، ری م، م ری، م ر ری توضیح‌های پراکنده‌ای می‌توان دید. هر چند لغت‌شناسان بزرگی چون ابن سکت در المنطق و فراهیدی در العین هیچ اشاره‌ای به آن نکرده‌اند. ابن منظور و جوهری، ذیل ماده ریم گفته‌اند:

قال ابو عمرو: مریم، مَفْعَلٌ مِنْ رَامَ يَرِيمُ «(ابن منظور، ۱۹۸۸ م، ج ۵ ص ۳۹۵؛ جوهری، ۱۹۸۴ م، ج ۵ ص ۱۹۴).

اما هیچ یک نه در این مدخل و نه در مدخل رام، اظهار نظری نکرده‌اند. تا جایی که اطلاع داریم، ابن دُرید (۳۲۱ ق) در جمهرة اللغة بیشترین توضیح را در تحلیل این واژه ارائه کرده است. عین سخن وی چنین است:

اسم اعجمی، فإن كان له اشتقاق فهو من الرِّيم، وَ الرِّيم: الزيادة، وَ إن كان من رام يَرِيم فهو مثل مَهيع من هاع يهيع (ابن دُرید، ۱۹۸۹ م، ج ۲ ص ۱۱۷۳).

لغوی معاصر، بستانی که با زبان‌های سریانی، عبری و یونانی آشنایی داشته، در محیط المحيط، کلمه مریم را سریانی و به معنی مرتفع دانسته است. همو می‌گوید:

وقيل يقال لمن أتى أمراً عجيباً يا مریم كما قالوا في سورة مریم / ۲۷: يا مریم لقد جئت شيئاً فَرِياً (بستانی، ۱۹۹۳ م، ص ۸۴۸).

مصطفوی نیز در التحقيق، تنها به یونانی یا سریانی بودن آن بسنده کرده است (مصطفوی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۱، ص ۸۶-۹۱).

اما آرای مفسران مسلمان در وجه تسمیه مریم، بیشتر در ذیل آیه ۳۶ سورة آل عمران: ﴿وَإِئْتِي سَمِيئَهَا مَرِيَمَ وَإِئْتِي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ مطرح شده است. برخی از مفسران گفته‌اند:

... فإن مریم فی لغتهم بمعنی: العابدة أو الخادمة. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸ ص ۲۰۴؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱ ص ۴۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲ ص ۷۳۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲ ص ۱۴ و...) .
 عدّه‌ای دیگر گفته‌اند که مریم به زبان رومی «أمة الله» است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ص ۳۵۶؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱ ص ۳۱۸؛ رشید الدین میبیدی، ۱۳۷۲، ج ۲ ص ۹۹).
 آرتور جفری نیز بدون اشاره به معنی لغوی و وجه اشتقاق آن، گفته است که این واژه، مستقیماً از عبری گرفته نشده، بلکه از یک منبع مسیحی وارد زبان عربی شده است. علاوه بر این، شاهدی بر استعمال آن در دوره پیش از اسلام به دست نیامده، مگر به صورت ماریه (کنیز قبطی تبار پیامبر ﷺ) و نیز در بیتی از حارث بن حلزه. اما جای بسی شگفتی از این محقق بزرگ است که در ذیل این واژه می‌گوید در سوره آل عمران، آیه ۳۶ و سوره تحریم، آیه ۱۲ بین مریم، مادر مسیح، و مریم، خواهر موسی و هارون، اشتباه شده است (جفری، ۱۳۸۶، ص ۳۶۳). در بخش پایانی مقاله حاضر، پاسخ به این شبهه خواهد آمد.

در منابع غربی، تحقیقات گسترده‌ای در معنا و ریشه این واژه صورت گرفته که به طور جامع در کتاب دانش نامه الهیاتی عهد عتیق (*Theological Dictionary of The Old Testament*) ارائه شده است. دانش نامه یاد شده، مهم‌ترین منبع در تحلیل واژگان کتاب مقدس است که به آلمانی نگاشته شده و آنچه در پی می‌آید، از ترجمه انگلیسی آن است.
 در مدخل מַרְיָה \ מַרְיָ \ meri در مورد اشتقاق کلمه مریم / מַרְיָ / Miriam سه احتمال نقل شده است:

از ریشه عبری מַרְבָּה (= Stubborn) به معنی عصیان کردن، یاغی شدن؛ مַרְבָּה صفت مؤنث مַרְبָּة به معنی تلخ، تند، شدید و ... نیز است. واژه اخیر نزدیک به «مَرَّ - مرارة» به معنی تلخی در عربی است.

از لغت مصری Mryt (= Beloved) به معنی محبوب و خواستنی است.

از لغت اکدی Rym (Gift from God) به معنی هدیه خداوند (Botterweck, 1986, v.9, p.5-9).

در باره احتمال نخست باید گفت که مشتقات فعل מַרְבָּה حدود ۴۵ مرتبه در عهد عتیق به معنی شورش کردن و عصیان نمودن به کار رفته است. برخی از اصطلاحاتی که کلمه مַרְבָּة در آن دیده می‌شود، عبارت‌اند از:

מַרְבָּה אֶיְיָ / فتنه اجتماعی

שִׁיחַ מְרִי / گفتگو یا کلام تلخ

תְּנוּעוֹת מְרִי / جنبش شورشی

בְּרִי מְרִי / یاغی‌ها، شورشیان (حییم، ۱۳۶۰، ص ۲۹۳؛ سیغو، ۱۹۸۵، ج ۲ / ۱۰۷۲؛ Levy,

1991, p. 186)

مؤید احتمال دوم، این است که با توجه به اقامت طولانی قوم عبرانی در مصر (۱۶۷۵-۱۲۷۵ ق.م)، زبان عبری تأثیر فراوانی از زبان بومی مصر پذیرفت و این در مورد اسامی پرننگ‌تر است. برای نمونه، مشابه همین اسم، نام مراری، سومین پسر سبط لاوی است (پیدایش ۴۶: ۱۰) و بر اساس لاویان (۳: ۳۶-۳۷) خانواده وی، بنی مراری خوانده می‌شدند که به طور معین، مسئول حفاظت از خیمه عهد بودند. از این رو، موقعیت اجتماعی این خاندان، ریشه مصری این واژه را - که به معنی محبوب است - تأیید می‌کند.

در این میان، احتمال دوم و سوم، صحیح‌تر به نظر می‌رسند، چه این که با سنت مرسوم در میان قوم عبرانی، سازگارتر است. از سوی دیگر، لحن آیاتی که از زبان مادر مریم در هنگام تولد وی سخن می‌گوید، به طور تلویحی این فرزند را محبوب خانواده و هدیه الهی معرفی می‌کند (آل عمران: ۳۵-۳۶):

﴿إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.

متأسفانه باید اعتراف کرد که در فقه اللغة واژگان عربی که ریشه مشترک با زبان‌های سامی دارند، منابع عربی موجود بسیار ضعیف و غیر قابل اعتماد هستند. یکی از علل آن، این است که نویسندگان آنها از زبان‌های سامی، اطلاعی نداشته‌اند و اگر آشنایی‌ای بوده، انعکاسی در آثار آنها نداشته است، در حالی که امروزه این موضوع کاملاً روشن است که زبان عربی، عضوی از خانواده زبان‌های سامی است و کسی که با زبان‌های سامی آشنایی ندارد، عربی را نیز نمی‌تواند درست بشناسد. برای نمونه، فراهیدی در العین در اشتقاق واژه موسی می‌گوید:

و موسی، يقال: اشتقاق اسمه من الماء و الشجر، فالْمُو: ماء، والسَّا: شجر لحال التابوت فی الماء (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷ ص ۳۲۳).

این سخن فراهیدی، اظهار نظرهای وی در مورد دیگر واژگان غیر عربی را نیز مشکوک می‌سازد. صرف نظر از پیچیدگی‌ها و ظرایف زبان‌شناسی مفصلی که در خصوص این کلمه وجود دارد - که مجال طرح آن نیست -، در سفر خروج (۲: ۱۰) این چنین آمده:

... او را موسی نام نهاد؛ زیرا گفت: او را از آب کشیدم.

در زبان عبری نیز مُشِه / מוֹשֶׁה / Mosheh (نام عبری موسی عليه السلام) از ریشه فعل מָשַׁח / Māshāh است که به معنی: [از آب] بیرون کشیدن است (حییم، ۱۳۶۰، ص ۲۹۹. برای توضیح بیشتر در مورد این کلمه و ملاحظه برخی مباحث بسیار قتی تر به منابعی که به تحلیل واژگان کتاب مقدس پرداخته‌اند، از جمله Theological Wordbook of the Old Testament, v. 1, p. 529 مراجعه شود).

ب) مریم در کتاب مقدس

مریم مادر عیسی، از نسل داوود و از سبط یهودا بود. در عهد جدید، به طور محدود از وی سخن به میان آمده، از جمله:

نسب‌نامه مسیح متی ۱: ۱۶

در روایت عروسی قانای جلیل یوحنا ۲: ۳

هنگامی که عیسی، خانواده حقیقی خود را معزفی می‌کرد متی ۱۲: ۴۶؛ مرقس ۳: ۳۱؛

لوقا ۸: ۱۹

هنگامی که مردم از سخنان مسیح عليه السلام تعجب کرده، به یکدیگر می‌گفتند: «از کجا این شخص چنین حکمت و معجزات را به هم رسانید؟ آیا این پسر نجار نیست؟ و آیا مادرش مریم نامی نیست؟ و برادرانش یعقوب، یوسف، شعمون و یهودا؟...» (متی ۱۳: ۵۴-۵۶، ۲۷: ۵۶؛ مرقس ۶: ۳، ۱۵: ۴۰ و ۴۷).

در وقت مصلوب شدن، یوحنا ۱۹: ۲۶

هنگام صعود مسیح عليه السلام به آسمان، اعمال ۱: ۱۴

مریم مقدس در اناجیل، گاهی انسانی کاملاً معمولی است که همواره درگیر حوادث عادی زندگی است (یوحنا ۲: ۱-۵؛ لوقا ۲: ۴۳-۵۰؛ مرقس ۳: ۳۱-۳۵)؛ اما مواردی نیز می‌توان یافت که حکایت از جایگاه رفیع و برتری ایشان بر سایرین دارد:

پس فرشته نزد او (مریم) آمده، گفت: سلام بر تو ای نعمت رسیده! یهوه با توست و تو در میان زنان، مبارک هستی. [مریم] چون فرشته الهی را دید، از سخن وی مضطرب شده، متفکر شد که این چه نوع تحیت است؟ فرشته بدو گفت: ای مریم! ترسان مباش، زیرا که نزد خدا نعمت یافته‌ای. و اینک، حامله شده، پسری خواهی زاید و او را عیسی خواهی نامید. او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی، مسمی شود و یهوه خدا تخت پدرش داوود را بدو عطا خواهد فرمود و او بر خاندان یعقوب تا به ابد، پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.

مریم به فرشته گفت: این چگونه می‌شود، حال آن که مردی را نشناختم؟ فرشته در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلیٰ بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدّس، پسر خدا خوانده خواهد شد ... مریم گفت: اینک کنیز پهّوّه‌ام. مرا برحسب سخن تو واقع شود (لوقا ۱: ۲۸-۳۸).

اوج تجلیل مریم در این قسمت از انجیل لوقا (۱: ۴۱-۴۸) آمده است:

... و ایصابت به روح القدس پُر شده، به آواز بلند صدا زد و گفت: تو در میان زنان، مبارک هستی و مبارک است ثمرهٔ رحم تو. و از کجا این به من رسید که مادر سرور من به نزد من آید؟ پس مریم گفت: جان من، خداوند را تمجید می‌کند و روح من به سبب رهاننده من به وجد آمد؛ زیرا به حقارت کنیز خود، نظر افکند...

طبق عهد جدید، مریم، کاملاً انسان است و موجودی آسمانی نیست. تصویر مریم علیها السلام در عهد جدید، کاملاً واقع‌بینانه است. مریم، اولین بانویی نیست که خود را وقف معبد کرده است، دست کم در همان زمان زنی نیّبه به نام حتّا، بیش از هشتاد سال بوده که خود را وقف هیکل کرده بود (لوقا ۱: ۳۶-۳۷).

سیر تحوّل جایگاه مریم علیها السلام در سنت مسیحی

موضوع مریم‌شناسی، یکی از شاخه‌های مهم الهیات مسیحی به شمار می‌رود و بیش از پانزده سده در پژوهش‌های غربی سابقه دارد. اما باید توجه داشت که باور به قداست مریم علیها السلام، همچون بسیاری از اعتقادات مسیحی به تدریج شکل گرفته است. توضیح این که در یهود و به طور مشخص‌تر در اسلام، بنیان‌گذار دین اصول اعتقادی، دین را در ابتدا وضع نمود و چارچوب معین و مشخصی برای آن تعیین کرد؛ اما اختلاف‌ها پس از رحلت ایشان، سر برآورد و جامعهٔ دینی از وحدت به کثرت گرایید، در حالی که در مسیحیت نخستین، هیچ چارچوب معینی برای آموزه‌های اعتقادی دیده نمی‌شود و رمز کفر و ایمان، ترسیم نشده بود. تولّد و حیات غیر عادی عیسی مسیح، معمای بود که پیروان نخستین وی، پاسخ‌های مختلفی در توجیه و پاسخ آن، ارائه می‌کردند. این جواب‌های مختلف، منشأ ظهور فرقه‌های متعدّد گردید. برای نمونه فرقه‌هایی چون منوفیزیت‌ها (Arianism) و نستوری (Nestorianism) به طور جدّی در هویت عیسی علیها السلام و مریم علیها السلام اختلاف پیدا کردند و این اختلاف‌ها آن چنان بود که موجب جدایی آنها از بدنهٔ اصلی کلیسا شد. در نهایت، این شوراهای جهانی هستند که در طی چند قرن باید‌ها و نباید‌های اعتقادی را تعیین

می‌کنند و اعتقاد به قداست مریم علیها السلام یکی از اصولی بود که به تدریج در این شوراها به تصویب رسید.

وجود زنان نبیّه در یهود^۱ و زنان رسول و معلّمه در دوره یهودی - مسیحی، بستر مناسبی برای تقدّس، در گام نخست و سرانجام، پرستش مریم مقدّس، فراهم ساخت. در متون اولیه، می‌توان به طور تلویحی نشانه‌هایی از مادر روحانی بودن مریم علیها السلام را یافت. نخستین بار در شورای افسس در سال ۴۳۱م بود که بنا بر نظر شورا، تعبیر «مادر خدا» در مورد مریم مقدّس به کار رفت. این شورا پس از شوراهاى نيقیه (۳۲۵م) و قسطنطنیه (۳۸۱م) سومین شورای جهانی مسیحیت است که مصوّبات آن نزد قریب به اتفاق مسیحیان، پذیرفته شده است (جوویور، قنبری، ۱۳۸۱، ص ۴۴۶-۴۴۷).

تقدّس یا پرستش مریم مقدّس در جهان مسیحیت، فراز و فرود و تحوّل ملموسی داشته است. مریم به عنوان مادر روحانی که در آثار اولیه مسیحی وجود داشت، در قرون وسطا، رنگ الوهیت گرفت و سرانجام، تلاش واتیکان برای ایجاد تعادل در مریم‌شناسی در عصر حاضر مواجه هستیم. از این رو، مریم‌شناسی در تاریخ الهیات مسیحی، سه نقطه عطف دارد:

الف) دوره بیزانسی یونانی مآب (شرق)

بی‌تردید سنت دیرینه پرستش الهه‌ها در شرق و بخصوص در آسیای صغیر با عنوان‌هایی چون باکره جاودان^۲، مادر خدا^۳ و ملکه والامقام^۴ تأثیر آشکاری در پرستش مریم مقدّس داشته است. در مسیحیت شرقی بود برای اولین بار در دعای در حمایت تو^۵ از مریم علیها السلام استدعا کردند و بزرگداشت

۱. یهودیان معتقدند مریم خواهر موسی، یکی از هفت نبیّه بود. سایر نبیّه‌ها عبارتند از: سارا همسر ابراهیم، ابیگیل، حتّا مادر شموئل نبی، هولدا همسر شائول، دیورا همسر لپیدوت و استر. پس از عبور قوم از دریا و غرق شدن فرعون، مریم، سرودی می‌خواند که یکی از قدیمی‌ترین سرودهای آزادی زنان به حساب می‌آید:

و مریم نبیّه خواهر هارون، دَف را به دست خود گرفت و همه زنان از عقب وی دف‌ها گرفته، رقص کنان بیرون آمدند. پس مریم در جواب ایشان گفت: یهوه را بسرایید؛ زیرا که با جلال مظفّر شده است، اسب و سوارانش را به دریا انداخت (خروج ۱۵: ۲۰-۲۱).

وی از موسی بزرگ‌تر بود. پس از خروج از مصر، چون مریم و هارون، موسی را سرزنش کردند، خداوند آنها را تنبیه نمود و به برص مبتلا کرد و پس از دعای موسی، وی شفا یافت (اعداد ۱۲: ۱-۱۵) (ر.ک: شمس، الهیات فمینیستی و ادیان ابراهیمی، ص ۸۲).

2. Perpetual Virgin.
3. Mother of God.
4. Queen of heaven.
5. Under Your Protection.

مریم در آیین عبادی کلیسا، گنجانده شد. برای اولین بار در شرق بود که افسانه‌هایی راجع به مریم گفته و سرودهایی به نام وی، تصنیف شد. بر کلیساها نام مریم گذاشتند و جشن‌های مریم، متداول شد و تصاویری از مریم، کشیده شد (کونگ، مقدّم و بخشنده، ۱۳۸۹ ش، ص ۸۴).

اکنون می‌توان پی‌برد که چرا شورایی در شرق جهان مسیحیت، توانست کلیسا را ملزم به این اعتقاد کند که مریم، مادر خداست و این، شورای افسس در سال ۴۵۱ م بود. «مادر خدا» نه تنها اصطلاحی غیر کتاب مقدّسی، بلکه مخالف با تعالیم آن بود و از آن رو به اختلاف‌های مسیحیان با یهودیان و بعدها با مسلمانان، دامن زد و آنها نتوانستند با توجیه‌های کلامی خود را از این بدعت، مبرا سازند.

افسس، شهری است که ساکنان آن پیش‌تر به پرستش الهه باکره «آرتمیس»^۱ و «دیانا»^۲ شهرت داشته‌اند. از این رو، امکان طرح پرستش مریم مقدّس، تنها از آنجا انتظار می‌رفت. در نتیجه مریم، جانشین الهه‌های پیشین گردید؛ در حالی که در مسیحیت لاتین (غرب) تقدّس مریم علیها السلام در وهله اول رسمیت نیافت. برای نمونه در آثار آگوستین که از مهم‌ترین آباء کلیساست، هیچ سرود و نیایشی خطاب به مریم علیها السلام وجود ندارد و حتی اعیاد مرتبط با ایشان، ذکر نشده است. تنها در قرن ششم بود که ژم نیز مریم‌شناسی شرقی را پذیرفت و عنوان «الهه مادر» به متن عشای ربّانی افزوده گردید و در قرن هفتم، اعیاد شرقی مریم (عید تبشیر،^۳ عید دیدار،^۴ عید میلاد^۵ و عید تطهیر^۶) متداول شد و در اواخر قرن دهم، افسانه‌هایی در باره قدرت معجزه‌آسای دعای مریم علیها السلام اشاعه یافت (همان، ص ۸۶).

ب) دوره لاتینی (غرب)

پرستش مریم علیها السلام که در مسیحیت بیزانسی (شرقی) پی‌ریزی شده بود، در قرن یازدهم و دوازدهم به غرب لاتینی منتقل شد و در آن جا رشد یافت و به بخشی از الهیات نظام‌مند تبدیل شد. در این دوره

1. Artemis.

2. Diana.

3. Time of the Annunciation.

روز تبشیر روز ۲۵ مارس است که به باور مسیحیان در این روز، روح القدس بشارت بارداری مریم علیها السلام را داد و به وی گفت عیسی علیها السلام از او متولد خواهد شد. این واقعه در لوقا (۱: ۲۶-۳۸) آمده و مسیحیان هر ساله این روز را جشن می‌گیرند.

4. Visitation.

5. Birth.

6. Purification.

می‌توان به فعالیت‌های راهب سیسترسی، برنارد کلرووی^۱ اشاره کرد که بی‌پروا بر نقش کیهانی مریم به عنوان مادر خدا و ملکه آسمانی تأکید می‌کرد. سرانجام در قرن سیزدهم، متاله مشهور فرانسوی، دانز اسکوتوس^۲ با طرح نظریه «استخلاص پیشاپیش»،^۳ گامی دیگر در مریم‌شناسی برداشت. این اصطلاح ابداعی اسکوتوس، در واقع راه حلی بود که مریم را از اصل جزمی عمومیت گناه اولیه، استثنا کند. هنگامی به اهمیت این سخن می‌توان پی‌برد که توجه داشته باشیم اصل جزمی گناه نخستین از زمان آگوستین تا عصر حاضر، جزء آموزه اصلی مسیحیت محسوب می‌شود و به طور قاهرانه بر سایر اصول اعتقادی مسیحیت، سایه انداخته است. از این رو، حتی مخالفت توماس آکویناس با طرح هر گونه استثنایی بر این اصل، نتوانست مانعی برای اسکوتوس باشد (Elder, 2007, p. 94).

از سوی دیگر، این غلو در کلیسای کاتولیک، مورد نقد بسیاری از الهیدانان مسیحی و عمدتاً پروتستان واقع شد که از جمله سرشناس‌ترین آنها می‌توان به رودلف بولتمان^۴ (طراح نظریه اسطوره‌زدایی از دین) و یورگن مولتمن،^۵ اشاره کرد. متاله پروتستانی مولتمن، بی‌هیچ پروایی اعلام می‌دارد:

باید صادقانه و به طور جدی متذکر شویم که مریم‌شناسی تا کنون بیشتر علیه وحدت‌گرایی کلیسایی بوده است تا جانبداری از آن. مریم‌شناسی، همچنان که بیشتر و بیشتر بسط یافته است، مسیحیان را از یهودیان، کلیسا را از عهد جدید، مسیحیان پروتستان را از مسیحیان کاتولیک و به طور کلی، مسیحیان را از زنان و مردان امروزی بیگانه‌تر کرده است (همان، ص ۹۰).

ج) ژان پل دوم^۶ و تلاش برای ایجاد تعدیل در تقدیس مریم

دوران پاپی ژان پل دوم با انتشار بخش‌نامه پاپی با عنوان مادر نجات‌بخش^۷ در ۲۵ مارس ۱۹۸۷ م نقطه عطف مهم دیگری در مطالعات مریم‌شناختی برجای نهاد. منشور مادر نجات‌بخش، تعمقی جامع و مبتنی بر کتاب مقدس، شوراها و کلیسای و الهیات در باب مادر خدا بود که خطاب به تمام

1. Bernard of Clairvaux.
2. Duns Scotus.
3. Anticipatory Redemptio.
4. Rudulf Bultmann.
5. Jürgen Moltman.
6. John Paul II.
7. Redemptoris Mater.

مسیحیان، صادر شد. این بخش نامه، نقش واسطه‌ای مریم علیها السلام، جایگاه وی به مثابه یک الگو و مطیع در برابر اراده خداوند را شرح می‌دهد. در این بخش نامه، زهد مریم علیها السلام به عنوان سنت مشترکی قلمداد شد که کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (ای. آر، مقدم، ۱۳۸۳ش، ص ۲۰۰).

این تعریف پاپ ژان پل دوم، به طور خیلی روشن از تلاش کلیسا در اسطوره‌زدایی و انجام اصلاحات بنیادین، حکایت می‌کند.

مریم علیها السلام در سنت اسلام

مریم علیها السلام مادر عیسی مسیح علیه السلام از چهره‌های برجسته قرآن و تنها بانویی است که به نام وی، تصریح شده است. بر اساس تحقیقات زبان‌شناسی کلمه مریم از زبان سریانی وارد عربی شده است (Winter, 2007, v.1, p. 479). بخش‌هایی از زندگی ایشان در سه سوره مکی (مریم، طه و مؤمنون) و چهار سوره مدنی (آل عمران، نساء، مائده و تحریم) آمده است. در این میان، حدود هفتاد آیه به معرفی و سوانح زندگی ایشان اختصاص یافته است. نام مریم ۳۴ مرتبه در قرآن تکرار شده است. آقای صفوان داوودی، سخن نغزی را از تلماسی در مورد علت این تکرار، نقل می‌کند:

خداوند در قرآن، نام هیچ زنی را به اسم نگفته، الا مریم. حکمت این کار، چنین است: ملوک و اشراف در میان جمع از تصریح به نام همسران خود پرهیز می‌کنند، بلکه آنها را با کنیه یا القابی چون اهل، عیال و ... می‌خوانند، اما در مورد کنیزان خود، چنین رفتاری ندارند و از گفتن نام آنها ابایی نمی‌کنند. از این رو، سرّ تصریح به نام این بانو در قرآن، اشاره به این است که مریم، کنیزی از کنیزان خداست و پسرش عبدی از بندگانش. از سوی دیگر، طعنه و ردی بر مسیحیان است که در مورد عیسی و مادرش غلو می‌کردند (راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داوودی، ۱۴۲۶ق، ص ۷۶۶).

از منظر قرآن، مهم‌ترین ویژگی‌های مریم علیها السلام عبارت‌اند از:

الف) عصمت و پاک‌دامنی

ب) برگزیده بودن

ج) الگوی ایمان.

قرآن کریم در میان زنان، دو بانو را الگو و سرمشق معرفی می‌کند: یکی آسیه همسر فرعون که به موسی علیه السلام و خدای او ایمان آورد و از ستم‌های همسرش بیزار بود و دیگری مریم دختر عمران، مادر عیسی علیه السلام.

گزارش‌های تاریخی قرآن، همواره سوژه‌ای بوده تا دانشمندان اهل کتاب از قرن‌ها پیش و مستشرقان، در دوره حاضر، به مقایسه دیدگاه قرآن با منابع خود بپردازند. در این میان، تاریخ انبیای بنی اسرائیل، عیسی مسیح و مریم مقدّس، به طور خاص، موضع اختلاف و معرکه آرا بوده است. در مقابل، شخص پیامبر اسلام، اهل بیت، اصحاب و دانشمندان اسلامی به دفاع از تعالیم قرآن برآمدند. یکی از این موارد که مرتبط با موضوع این مقاله است، رهیافت قرآن در معرفی مریم علیها السلام است. از جمله مهم‌ترین مواضع اختلاف میان قرآن و اهل کتاب، این دو مورد است:

الف) تعبیر «یا أُحْتَّ هَازُون» در قرآن در مورد مریم (با توجه به اختلاف زمانی هارون و مریم)

ب) نام پدر مریم، یواکین بوده یا عمران؟

برای نمونه، ابن کّمونه، فیلسوف یهودی که در قرن هفتم در بغداد می‌زیست، در اثر جنجالی خود تنقیح الأبحاث للملث می‌گوید: اولاً برخلاف آنچه که قرآن، مریم را فرزند عمران معرفی می‌کند، در سنت مسیحی، نام پدر ایشان یواکین بوده. ثانیاً چه طور مریم می‌تواند خواهر هارون خوانده شود، حال آن که فاصله زمانی آنها بیش از هزار سال بوده است؟ عین سخن وی چنین است:

و أبو مریم أمّ عیسی اسمُه عند النصارى یواکین. و لم یکن لها أخ عندهم (ابن کّمونه،

تحقیق منزوی، ۱۳۸۳ ش، ص ۹۰).

این اشکال حتّی در عصر حاضر نیز از مستشرقان، شنیده می‌شود. همان طور که پیش‌تر اشاره شد، آرتور جفری، قرآن‌پژوه انگلیسی می‌گوید در آیه ۳۶ سوره آل عمران و آیه ۱۲ سوره تحریم بین مریم، مادر مسیح و مریم، خواهر موسی و هارون، اشتباه شده است.

در پاسخ به این شبهه باید گفت:

اولاً اناجیل اربعه، نامی از والدین مریم نبرده‌اند و نه تنها هیچ تصویر روشنی از این خانواده ارائه نمی‌دهند، بلکه در باره زندگی مریم مقدّس نیز اطلاعات قابل توجهی ندارند؛ تا جایی که مفسّران مسیحی اناجیل روایاتی را که پدر مریم علیها السلام را یواکین معرفی کرده‌اند، روایات ضعیف می‌دانند. برای نمونه و.م. میلییر در این باب می‌گوید: اناجیل در باره مادر نجات دهنده ما عیسی مسیح، خیلی کم اطلاع می‌دهند و روایاتی که والدین مریم مقدّس را یهو یواکین و حتّی معرفی کرده‌اند، ارزش تاریخی کمی دارند (میلییر، بی تا، ص ۱۵). از این رو، بیشتر دایرة المعارف‌ها در معرفی مریم علیها السلام، تنها به این مقدار که سبط یهودا بوده و مادر عیسی مسیح علیها السلام است، اکتفا می‌کنند. علاوه بر این، جای تعجب نیست که قرآن، موضوعی را مطرح کند که در کتاب‌های آسمانی پیشین، نیامده باشد، بلکه اساساً یکی از شئون قرآن کریم، همین است. از این رو، خداوند در اشاره به داستان مریم علیها السلام می‌فرماید:

﴿ذَلِك مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ﴾ (آل عمران: ۴۴).

ثانیاً برخلاف این تصوّر که در زمان پیامبر ﷺ، اهل کتاب از طرح این اشکالات می‌ترسیدند یا از وجود چنین اشکالی بی‌اطلاع بودند، روایات اسلامی حکایت از این دارند که بحث و اشکال در حول این موضوع در زمان خود پیامبر ﷺ مطرح بوده و ایشان، اصحاب را در مقابل شبهات اهل کتاب، تجهیز می‌کردند. برای نمونه ابن طاووس در سعد السعود نقل می‌کند:

عن سماک بن حرب عن المغيرة بن شعبة أنّ النبي بعثه إلى نجران، فقالوا أَلستم تَقْرؤون» یا «أخت هارون» و بینهما کذا و کذا؟ فذکر ذلك للنّبی. فقال: ألا قلت لهم إنهم كانوا یُسَمّون بأنبيائهم و الصالحین منهم (ابن طاووس، ۱۳۸۶، ص ۴۳۱).

جالب این که بر اساس برخی روایات، عایشه همسر پیامبر ﷺ نیز پیش‌تر همین اشتباه این گمّونه را مرتکب شده بود و تصوّر می‌کرده که «مریم» مادر مسیح، همان «مریم» خواهر موسی و هارون است، اما کعب الأحبار، این اشتباه را به او گوشزد کرد و گفت که فاصله زمانی آنها بیش از هزار سال بوده است:

أخرج ابن أبي حاتم عن ابن سيرین قال نبئت أنّ کعباً قال أنّ قوله یا أُختَ بهارون لیس بهرون أخی موسی فقالت له عائشة: کذبت. فقال: یا أمّ المؤمنین! ان کان النّبی ﷺ قال فهو أعلم و أخبر و إلا فإنی أجد بینهما ستمئة سنة - فسکت (سیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۴ ص ۲۷۰).

از این رو، نام‌گذاری شخص به اسم پدران و مادران آنها، نوعی تکریم بوده و بویژه در مورد هارون که در سنت یهودی از جایگاه بس والایی برخوردار بوده است (معرفت، ۱۳۸۵ش، ص ۸۵). هارون، رئیس کاهنان بوده و حتّی در میان بنی اسرائیل از محبوبیت بیشتری نسبت به موسی برخوردار بوده است. او به «مقدّس یهوه» ملقب گردیده است (مزامیر ۱۶: ۱/۶) و بنی اسرائیل در عزای او یک ماه سوگواری کردند (اعداد ۲۰: ۲۹) و از آن پس نیز روز اوّل از ماه پنجم (آب) را به پاس او روزه می‌گیرند (هاکس، ۱۳۷۷ش، ص ۹۱۸).

از سوی دیگر، مادر مریم (خواهر ایصابات، مادر یحیی) از سبط لاوی و از نسل هارون بوده است به عبارتی دیگر، ایشان از جهت مادر به هارون منسوب است و مهم‌تر از آن، توجّه به جایگاه اجتماعی مریم علیها السلام، به عنوان خادمه معبد، به ما کمک می‌کند تا فهم درستی از تعبیر قرآنی «یا أُختَ هارون» داشته باشیم. بنا بر این، مریم مقدّس هر چند از طرف پدر به سبط یهودا تعلق دارد، اما از طرف مادر و موقعیت اجتماعی‌اش به سبط لاوی که هارون نماینده آن است، منسوب شده و از این رو با تعبیر «یا أُختَ هارون» مورد خطاب قرار گرفته است. در واقع، این تعبیر قرآنی برای توجّه دادن به جایگاه اجتماعی مریم در میان بنی اسرائیل بوده است.

جمع بندی

مسیحیان پرستش مریم به عنوان یکی از اقانیم تثلیث را انکار می کنند و مدعی اند این موضوع در هیچ فرقه مسیحی رسمیت نداشته است. از این رو، آیه ۱۱۶ سوره مائده ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ﴾ را قابل نقد می دانند. در مقابل، دانشمندان مسلمان در پاسخ این شبهه هم پاسخ نقضی و هم پاسخ حلی داده اند. برای پاسخ نقضی برخی از نویسندگان تلاش کرده اند فرقه ای در مسیحیت بیابند که به الوهیت مریم علیها السلام اعتقاد داشته باشند.^۱

نگارنده بر این باور است، پاسخ نقضی در این مقام، از مستندات لازم برخوردار نیست؛ بلکه دقت در خود آیه و ملاحظه سیر تحوّل جایگاه مریم علیها السلام در مسیحیت، ما را به جواب حلی رهنمون می سازد، چه این که مفسران متعددی نیز پیشتر همین پاسخ را بیان کرده اند (مراعی، بی تا، ج ۷ ص ۶۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴ ص ۶۲). محور این جواب، تأمل بر کاربرد فعل «اتَّخَذُوا» است که به معنی شأن الوهی قائل شدن است، نه خدای نامیدن. اگر به موارد مشابه استعمال این فعل دقت کنیم، مشکل حل خواهد شد. برای نمونه در سوره توبه آیه ۳۱ ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ﴾ مردم را به جهت تبعیت بی چون چرا از راهبان سرزنش می کند، همان طور که در سوره جائیه آیه ۲۳ ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾ پیروی از هوای نفس را نکوهش می کند.

بر این اساس، در آیه مورد نظر نیز خدای متعال نفرموده که مسیحیان گفته اند: مریم، اله است، یعنی او را خدا نام نهاده باشند و به عنوان یکی از اقانیم تثلیث مورد پرستش قرار دهند. بلکه می فرماید: مسیحیان به جهت غلو در شأن و منزلت مریم علیها السلام، او را در عمل، اله خود قرار داده اند و این موضوع، چنان که ملاحظه شد، در میان همه فرق مسیحی رایج است و پس از آن که سیری صعودی داشت، امروزه با نقد درون دینی الهیدانان مسیحی مواجه است.

قرآن کریم با معرفی مریم علیها السلام به عنوان الگویی برای جامعه بشری، انحراف جامعه مسیحی از تعالیم الهی عیسی مسیح علیه السلام را گوشزد می کند. از سوی دیگر، امروزه دستاوردهای الهیدانان مسیحی مبنی بر اسطوره زدایی از دین، بارقه هایی از امید را برای اصلاح انحرافات به وجود آورده است؛ چه این که سخن حق به سان درختی است که ریشه در خاک فطرت دارد و شاخه هایش بر آسمان اندیشه، برافراخته است (ترجمه آزاد از سوره ابراهیم: ۲۴).

۱. برای نمونه، ر.ک: آلوسی، روح البیان، ذیل آیه؛ بحرانی، البرهان، ذیل آیه. تفسیر اخیر، مستند بسیاری از مفسران معاصر بوده است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- کتاب مقدس
- ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، قم: احسن الحديث، ۱۳۸۶ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، ۱۹۸۸ م.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللّغة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۷.
- ابن کّمونه، سعد بن منصور، تنقیح الابحاث للملل الثالث، تصحیح: علینقی منزوی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- السیوطی، عبد الرحمان بن أبی بکر، الدرّ المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
- الطباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرّسین، ۱۴۱۷ ق.
- آرول. ای. آر، مریم‌شناسی، ترجمه طیبه مقدّم، فصل‌نامه هفت آسمان، ش ۲۴، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.
- آلوسی، سیّد محمود، روح المعانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- بستانی، بطرس، محیط المحيط، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۳ م.
- بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- بیضاوی، عبداللّه بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس، ۱۳۸۶ ش.
- جوویری، مری، درآمدی بر مسیحیت، ترجمه: حسن قنبری، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حمّاد، معجم الصحاح، بیروت: دار المعرفة، ۲۰۰۷ م.
- حییّم، سلیمان، فرهنگ عبری فارسی، تهران: انجمن کلیمیان، ۱۳۶۰ ش.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۶ق.
- سغیو، داوود، قاموس عبری - عربی للغة العبرية المعاصرة، فلسطين: قدس، ۱۹۸۵م.
- شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، محمد بن علی، تهران: نشر داد، ۱۳۷۳ش.
- شمس، محمد، الهیات فمینیستی و ادیان ابراهیمی، تهران: برگ زیتون، ۱۳۸۵ش.
- مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر مراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الحکیم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۵ش.
- معرفت، محمد هادی، شبهات و ردود، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۵ش.
- میبیدی، رشید الدین، کشف الأسرار و عده الأبرار، احمد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
- میلر، و.م، تفسیر انجیل لوقا، ترجمه احمد نخستین، تهران، نشر بروخیم، بی تا.
- هاکس، ویلیام، قاموس کتاب مقدس، چاپ اول، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷ش.
- هانس، کونگ، زن در مسیحیت، ترجمه طیبه مقدم و حمید بخشنده، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۹.
- Elder, Rozanne, *Mary in the common Latin tradition*, Studying Mary, England, Continuum, 2007.
- G. Johannes Botterweck, and Helmer Ringgreu, and Hein-Josef fabry(eds.), *Theological Dictionary of the Old Testament*, U.S.A. 1986
- R.Laird Harris, *Theological Wordbook of the Old Testament*, USA : the moody Bible Institute of Chicago, 1980.
- Cf. E and F. Stagg, *Women in the world of Jesus*, Philadelphia, 1978.
- Levy, Yaacov ,*Oxford English-Hebrew| Hebrew-English*, Jerusalem, 1991
- Jane Dammen McAuliffe (ed.), "*Mary*", *Encyclopedia of the Quran*, Leiden, brill, 2001
- Winter, Tim, *Mary in Islam*, Mary, England, Continuum, 2007.